

دولت و ادارهٔ ارزاق اقدامات خیلی  
مجددانه کرده است و اگر ملاحظه کرده‌اید  
که در این اواخر ارزاق سخت بوده و نان  
کم بوده است و جنس بد شده علت را  
باید در نظر گرفت و تصور نفرمایند که  
کوتاهی شده و همانطور که عرض کردم  
ورامین که يك قسمت آذوقه طهران را می  
داده است امسال آذوقه طهران که نتوانسته  
است کمک نماید بلکه از جاهای دیگر طهران  
باید آنجا کمک بشود.

اما البته اقدامات جنسی که کرده است  
عبارت از این است که جنس را از جاهای  
دیگر فراهم میکند و برای اطمینان خاطر  
آقایان و عموم مردم عرض می‌کنم که رویهم  
رفته در مملکت بقدر کفایت جنس هست.  
این را آقایان بدانند آنقدر تنگ و سخت  
نخواهد شد که فراهم نشود و اگر سخت  
بوده و جنس بد بوده از این اندازه که تا  
کنون بوده است سخت‌تر نخواهد شد و  
همانطور که عرض کردم بواسطه این است  
جنس اطراف طهران از همه اجناس بدتر  
است و چون سرخرمن است و مدت لازم  
دارد که از اطراف تا اینجا برسد و آذوقه  
طهران از جنس خود طهران بوده است  
و در این مدت که بد بوده است باین دلیل  
که عرض کردم بد بوده است و امیدوارم  
طوری بشود که نان خیلی خوب بشود و  
بهبتر از حالا بشود بطوریکه اسباب زحمت  
برای مردم نشود.

ولی چیزیکه هست این است که جنس  
هست بقدر کفایت.  
اما اوقات دیگر که حاصل خوب است  
مملکت ایران می‌تواند از جنس گندم و جو  
صادرات داشته باشد و مخارج هم بدهد  
ولی امسال شاید دیگر مانعی توانیم بخارج  
چیزی بدهیم.

ولی امیدوارم و یقین دارم بطوریکه  
خودمان هم تنگی بکشیم و گرسنگی  
بخوریم بیش نخواهد آمد و چیزیکه هست  
این است که سابق بر این آن کسریکه برای  
طهران داشتیم بقدر يك ثلث بود که رویهم  
رفته سی هزار یا چهل هزار خروار بود که  
مجبور بودیم از خارج طهران بیآوریم ولی  
امسال دو برابر این را باید بیآوریم و البته  
وقتی که بنام مقدار زیادتری بخواهیم جنس  
بیآوریم مجبوریم که متوسل شویم بنقاطی  
که دورتر است و قبل از این وقتی که حاصل  
خوب بوده است بآنجا نمی‌رفتیم حالا  
بیآوریم و البته آقایان می‌دانند وقتی که  
از راه دورتر بخواهیم جنس بیآوریم کرایه  
زیادتر خواهد شد و گران می‌شود و صرف  
نمی‌کند.

تا وقتی که محتاج نبودیم از نقاط  
دورتر مثل زنجان و عراق جنس بیآوریم  
نمی‌آوریم ولی حالا ناچاریم يك قدری  
پایان را دورتر بگذاریم و الان

ما از نقاطی که جنس می‌آوریم یکی مثل  
کرمانشاه است و البته باین واسطه جنس  
گرانتر برای اداره تمام میشود و باین جهت  
بوده است که قیمت نان این چند روزه  
یکقدری بالا رفته است و این بالا رفتن  
قیمت نان تنها برای این نبود که کرایه زیاد  
بر میداشته است بلکه يك چیز دیگری را  
هم در نظر داشتیم که تصور میکنم آقایان  
تصویب نفرمایند نظر دولت را و آن این  
است که راست است که مردم باید از حیث  
ارزاق مطمئن باشند و آذوقه هم يك حاجت  
ضروری است و حتی الامکان باید برای  
مردم سهل باشد و مخصوصاً از حیث قیمت  
این اصل صحیح است.

اما از آنطرف هم باید این نکته را  
در نظر داشت که ارزاق هم مثل سایر  
مباحث مردم معامله و تجارت می‌شود و  
معامله و تجارت را هم کسی نمیکند مگر اینکه  
سوزی داشته باشد.  
من جمله زارع و فلاح اگر این زحمتی  
که میکشد این زراعتی که میکند اگر این  
جنس را از او بطوری بگیرند که نفعی  
نبرد البته نمیرود محض رضای خدا زراعت  
کند.

این بود که دولت ملاحظه کرد که  
امسال باین ترتیبی که پیش آمد مقتضی  
است قدری مصرف کنندگان جنس و نان  
هم تحمل این اضافه را بکنند تا اینکه  
فراهم کنندگان جنس هم راحت باشند و  
ضرر هم نداشته باشد و تشویقی هم شده  
باشد و از این جهت است که اداره ارزاق  
میخواهد يك قدری از مردم گرانتر بخرد  
که خرواری چهار تومان در طهران و در  
ولایات هم بفرخور حال دو تومان و سه  
تومان بر قیمت جنسی که میخریم اضافه  
کردیم و باین واسطه هم مجبور بودیم  
بر قیمت نان اضافه کنیم زیرا که برای  
دولت ممکن نبود که بتواند ضرر  
کند آنهم ضرری که تقریباً چند کرور  
است و البته برای اینکار بد است که دولت  
این مقدار ضرر را قبول کند زیرا آقایان  
مسبوقند که در جاهای دیگر هم که دولت  
متصدی امر ارزاق نیست قیمت نان بالا  
رفته و این يك امری است قهری و طبیعی  
پس در جواب نماینده محترم بطور  
خلاصه عرض میکنم که وضعیات ارزاق  
البته امسال فوق العاده و سخت بوده  
است و زراعت خوب نبوده است و اگر این  
دولت فعلی و انتظامات فعلی نبود شاید بر  
مردم خیلی سخت میگذشت و شاید هیچ  
سالی از سنوات سابقه باین ترتیب نبود ولی  
با جدیتی که از طرف دولت بعمل آمده است  
و مخصوصاً باین وسایل نقلیه فعلی که حقیقتاً  
بهبودی در وضع و وسایط نقلیه پیدا شده  
است که میتوانیم از نقاط دورتر جنس فراهم  
کنیم و بر کز برسانیم منتهی يك قدری  
دیر و زود دارد و همینطور از جاهای دیگر

هم تهیه شده است از قبیل آذربایجان  
زنجان و ملایر و گلپایگان و نقاط  
مختلفه دیگر که بعضی دورتر و بعضی  
نزدیکتر است و بعضی هم در بین راه است  
که شاید در ظرف یکی دو هفته برسد و  
من حیث المجموع انبار را عنقریب پر خواهیم  
کرد و ترتیب را طوری گرفته‌ایم که انشاء الله  
در سال آینده در سر خرمن مقداری هم  
اضافه بر ما بحتاج سال جاری ذخیره داشته  
باشیم بطوری که در سال قبل هم داشتیم و  
اگر در سال گذشته انبار ذخیره نداشت  
یقیناً اوضاع ارزاق امسال بدتر می‌شد  
جنس تهیه شده است و محل‌ها هم همه  
معین شده است و پروگرام تهیه نان هم  
فراهم شده است که دولت تصویب کرده  
است و مشغول اقدام هم شده است و بعضی  
در راه است و بعضی دورتر خواهد رسید  
و بعضی‌ها هم عنقریب خواهد رسید و در  
این صورت آقایان مطمئن باشند وضعیت  
نان که سخت‌تر از این نخواهد شد اجازه  
می‌فرمائید از طرف وزیر فوائد عامه لایحه  
راجع باعطای امتیاز چراغ برق اصفهان  
بيك نفر را تقدیم مجلس شورای ملی  
می‌کنم.

(مجلس سه ربع ساعت بعد از  
ظهر ختم شد)  
رئیس مجلس شورای ملی  
حسین پیرنیا  
منشی  
م-شهاب دکتر احتشام طباطبائی

جلسه دویست

صورت مشروح مجلس  
یکشنبه پنجم مهر ماه ۱۳۰۴  
مطابق هشتم ربیع الاول  
۱۳۴۴

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر  
بریاست آقای تدین نایب رئیس  
تشکیل گردید  
صورت مجلس سه شبته سی و یکم  
شهریور را آقای آقا میرزا شهاب قرائت  
نمودند.

نایب رئیس - آقای مدرس  
(اجازه)

مدرس - بعد از تصویب صورت مجلس  
عرض دارم.

نایب رئیس - آقای اتحاد  
(اجازه)

اتحاد - قبل اردستور عرض دارم  
نایب رئیس - آقای شوشتری  
(اجازه)  
شوشتری - قبل از دستور عرض  
دارم.

نایب رئیس - آقای شریعت زاده  
(اجازه)

شریعت زاده - قبل از دستور عرض  
دارم.

نایب رئیس - نسبت بصورت مجلس

اعتراضی نیست؟

(گفته شد: خیر)

نایب رئیس - صورت مجلس تصویب  
شد.

آقای مدرس

(اجازه)

مدرس - بنده قبل از وقوع این وضعیات  
ناگوار غیر منتظره تب دار بودم.

مقارن شد باین وضعیات و حال من هم  
خیلی سخت‌تر است.

این دو سه روزه که قدرت بر حرکت  
نداشتم حالا هم با اعانت اعانت کنندگان  
خدمت آقایان رسیدیم و خود را مکلف  
دیدم که يك عریضی بکنم و از مقام ریاست  
تقاضا و خواهش بکنم دولت را احضار  
کنند و کشف حقیقت و هویت این اوضاع  
که ماهو حقه از برای من و سایر آقایانی که  
شاید بلند نباشند بشود.

البته هم چون بود که اگر من نیایم این  
صعبت داشته نشود البته همه آقایان بمقیده  
من بوظیفه خودشان رفتار می‌کردند ولی  
از باب اینکه از هم قطار های خود عقب  
نمانده باشم آمدم.

حالا هیئت دولت نیستند من هم ناخوشم  
ولی اظهاراتم را میکنم البته اظهارات  
من بگوش آقایان می‌رسد مقام ریاست  
هم آنها را احضار می‌کنند یا در همین  
مجلس یاد مجلس دیگر بیاناتی که آنها  
بفرمایند البته آنوقت من هم می‌شنوم آقایان  
هم می‌شنوند و یا قانع می‌شویم یا  
نمی‌شویم.

من و همه (گمان این است همه یا اکثر)  
باینکه نظر بد بدولت نداریم و او را در  
حفظ اصلاح مافات می‌بینیم و امیدوارم  
تکمیل شود آن مقاصد از برای مملکت ولی  
ما تمام خدمتگذار مردمان این مملکت  
هستیم خاک بر سر و کیلی که یکیش خودم  
باشم که شکمش سیر باشد و يك مو گلش را  
گر سینه و مضطرب بیند و بقدر امکان تلاش  
خودش را نکند.

(جمعی از نمایندگان - صحیح است)  
البته پرپر روز (روز اول که مسئله  
ارزاق بود) يك مسئله بودم. جای تأسف  
از برای همه بود هست.

البته تصدیق داریم که امسال آفات  
بوده است.

کم آبی بوده است و خصوص در اطراف  
طهران حوادث بوده است ولی دولت و مجلس  
تمام مکلفند بذل جهد کنند از برای اینکه  
بقدر میسر و راحتی مردم را از جهت معاش  
اقل فراهم کنند (البته معاش درجه اهلی مال  
دیگران است) اول این عنوان شد بعد در  
خلال این مطالب يك چیز هائی اتفاق  
افتاد.

در مجلس ریختن اتفاق افتاد.

شکستن و زدن و بعضی نغمات دیگر  
اتفاق افتاد.

بنده هم با حالت تب آدم بیرون مجلس بواسطه اینکه مجله قدری خلوت شود آنجا ایستادم و قدری دلناری دادم مردم با آنها شریک شدم در این مصیبت که حق را بجانب آنها بدم.

اطمیناناً هم بقدر خودم مردم دادم بعد منتهی شد بگرفتارها بستنیا حبسها و زنها مردها کوچکها بزرگها و منتهی شد متوسلانی که بمقیده من خیلی غم شروع است.

الله موکلین حق دارند هر مطلبی دارند خدمت آقایان و کلا و مجلس شورای ملی که خدمتگذار آنها است اظهار ندارند و آنها هم بذل جهد باید میکنند در انجام آن وهم چنین دولت کسر کار است ولی منتهی شدن بعضی تشبثات هیچ داخل هیچ کاری نبود. با اینکه ترفیع بعضی مردمان محترم داخل نبود و حقایق این مطلب و مطالب و هویت آنها کلاماً به شخص من گمگشته نیست.

اگر بر شخص من معلوم بود با این کسالت که شرعاً عقلاً لازم نبود نمی آدمم اینجا و بشخص من یک حرفی بیام دادن قانع نمی شوم.

باید بیان حقایق و هویت مطالب در این مقام مقدس بشود که یک مقام رسمی است که حقیقه مورد اثبات و نفی بشود.

الان که دولت حاضر نیست که این اظهارات مراجع بدهد و کشف حقایق بشود و ببینیم مردمانی که حسنه منشأش نان خواستن است و مردمانی که حسنه منشأش عملیات دیگر است.

علاوه بر این منشأش توسلات غیر مشروع است؟

علاوه بر این فکر شب و روزی را خرج ارزاق کرده اند و نصایح بنده را که در عرض دهم روز صدف سخ راه اطراف طهران برفتم و تحقیق از وضعیت کرده و با آنها گفتم ترتیب اثر بر سر دادند. بانداند؟ امروز که روز سختی نیست اگر نباشد سخت مردم باشد پس فردا که یک سرما و یک بارندگی میشود آنوقت چه میشود؟

اگر یک طفلی از گرسنگی بمیرد باز باب نبودن نان...  
 یک دفعه از باب نداشتن پول است که الفلاسون فی خطر عظیم یک دفعه از باب نبودن نانست.

من عقیده ام این است که حضرت می فرماید بدترین درد است که شخص بخواند سیرو اطرافش باشند که از درد گرسنگی بنالند.

وای بر ما اگر همچو اتفاقی بیفتد (جمعی از نمایندگان صبیح است) حالا از مقام ریاست معذرت میخواهم که خیلی با کمال بی ادبی ایستادم و هم صحبت داشتم.

البته این عرایض که من کردم خیلی

مختصر است ولی اصل مطالب این است که خیر کنندند، باید حقیقت مطالب کشف شود از آن يك طفلی که قدم برداشته است و او را گرفتارند یا اینکه آمده است این ششها را شکسته است مسب این کار را معین کنند چه اشخاصی بودند حقیقت را فرمایند و اینکه بر من تنها خبر دهند که حسن یا حسین یا فلان مردقانه نمی شوم. باید همین طور که در این مقام رسم با دولتی که نظرم مخالفت با او ندارم و او را در حفظ اصلاح مافات می دانم تمام اینجا و در در اظهار کردم آنچه باید علاج جرده را علاج جراد هم را (نمی گویم بقدر من. شاید زیادتر دارند) این علاج را باید اینجا فرمایند و هم را قانع کنند.

جمعی از نمایندگان صبیح است نایب رئیس آقای اتحاد (اجازه)

اتحاد عرایضی که بنده حضور مبارک آقایان محترم میخواهم عرض کنم مجبورم قبل از دستور عرض کنم.

اگر بخاطر مبارک آقایان باشد در سال گذشته در موقعی که بودجه وزارت داخله مطرح بود بنده بعنوان مخالفت با بودجه وزارت داخله را چه توضیحات دلباز و سیاهکل که بگر از حوزه های انتخابه لاهیجان است عرایض کردم و آنروز عرض کردم که دو نفر از اشقاء قطعاً طریق و دزدان را بعنوان رئیس امنیه آنجا گماشته اند و اینها بدمال و نفوس و اعراض مردم بازی می کنند.

باین هم اکتفا نکردم در همان تاریخ آقای رئیس امنیه را که آقای سردار قنم باشد ملاقات کردم و با ایشان مذاکره کردم و بالاخره نام روز و روز گذشته تا این واقعه که به عرض آقایان میرسانم اتفاق افتاده است.

در چند روز قبل که تقریباً یک هفته یا کمتر باشد بر حسب اشاره دولت اهالی محل یک نفر از آنها را کشته اند و برادر آن شخص که یکی از این قطع طریق باشد تمام سیاهکل که یک قصبه است و شش هزار نفر نفوس دارد و تقریباً هفت هشتده نفر (آنچه تا بحال خبر رسیده است) کشته اند و تمام مردم متواری و بی خانمان شده اند و من هیچ وسیله ندارم جز اینکه برض آقایان برسانم که امروزه هزاران ایرانی بواسطه غفلت یا تعاقب در زیر آسمان متواری هستند.

دیروز شبدم که تلگرافاتی از آنجا و دور دایر باین مسأله رسیده است و تلگرافخانه گفتند چون این مسئله سیاسی است بصاحبان تلگراف نرسانیده اند.

تا اینکه مکاتب رسید از یکی از وزراء هم پرسیدم اطلاع نداشت گفتند تحقیق میکنم.

بهر صورت اینها ایرانی هستند.

اینها و دیده الهی هستند. اینها امانت هستند. این شخص که این عریضه را نوشته است بگر از مجتهدین آنجا است که تمام دارائی و زندگی او را سوزانیده اند سر برهنه و یا برهنه بلاهجان آمده است.

از این جوت از مقام محترم مجلس مقدس تمنی دارم که بدولت اخطار شود اولاً هر چه زود تر بقیه نفوس که قلا در آن حدود زنده هستند بوسائلی که در دست دارد محافظت کند و بعد یک کمیسیون تشکیل بدهند که شاید یک اعانه باین بدبختها برسد.

بعضی از نمایندگان - دستور نایب رئیس - خیر است از کمیسیون عرایض و مرخصی راجع بتمدید مرخصی آقای آقا شیخ عبدالرحمن کمیسیون تصویب کرده است.

(شرح ذیل قرائت شد) آقای آقا شیخ عبدالرحمن نماینده محترم بواسطه کسالت مزاج وعدم وسائل حرکت تقاضای بازنده روز تمدید مرخصی از تاریخ اول شهریور نمودند.

کمیسیون مذکور ایشان را موجه دانسته و تصویب می نماید که از تاریخ اول شهریور لغایت یازده روز قانع مجاز باشند.

نایب رئیس - نسبت باین خبر مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد)

نایب رئیس - آقایانی که مدت یازده روز مرخصی آقای آقا شیخ عبدالرحمن را تصویب می کنند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد آقای حائری زاده.

حائری زاده - بنده در دستور عرض دارم.

اگر چه قانون میزبانی قانونی است که نباید بگذاریم معطل شود ولی فرمایند انتخابات تقریباً معطل یک اصلاحی است که در قانون انتخابات باید بشود و نشده و رایزرتش تقدیم مقام ریاست شده یکی دو فقره از مواد است که باید حذف شود که متناقض با مواد جدید دارد و یک کلمه هم در مواد است که باید تبدیل شود.

خوبست در اول جلسه جزء دستور قرارداد شده که تکلیف وزارت داخله معلوم شود.

نایب رئیس - نسبت باین پیش نهاد مخالفی نیست؟ اتحاد - بنده مخالفم. نایب رئیس - بفرمایند.

اتحاد - بطوری که دیروز بمحضی از آقایان عرض کردم مخالفت بنده با اصل موضوع نیست.

البته یک قانونی که وضع می شود

در ماده بیست و ششم قانون بیست و هشتم شوال ۱۳۲۹ عبارت «رای دهنده» تبدیل میشود.

کمیسیون تجدیدنظر و قانون انتخابات مکلف است مواد پنجاه و سه گانه قانون انتخابات را که قسمتی از آن برطبق قانون دوازدهم شهریور ۱۳۰۴ تصویب شده و بقیه از مواد قانون انتخابات بیست و هشتم شوال ۱۳۲۹ میباشد تحت نمره ترتیبی درآورد.

نایب رئیس - توضیحاً عرض میکنم خبر این کمیسیون که طبع و توزیع شده است با آنچه کفایت شد یک مختصر صرفی دارد. این را ثانیا تنظیم کرده اند.

آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - موافقم نایب رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - موافقم نایب رئیس - آقای دستغیب (اجازه)

دستغیب - راجع بتعیین ساعت که نوشته است آنهم حذف شود این را بنده محتاج بجناب نمی دانم برای خاطر اینکه فلان شخص می آید تفرقه می گیرد و رای هم در همان مجلس میدهد و چون در قانون تفرقه و رای را در دو مجلس در آن دو ماه اشاره میکند و قانون جدید اینست که تفرقه و رای بایستی در یک مجلس داده شود البته این تقریباً مخالفت و بایستی حذف شود ولی آن فقره که نوشته است ساعت را هم حذف کنند بنده این را محتاج نمی دانم و تعیین ساعت ضرر ندارد.

بلی مدت را در قانون جدید داشت و آن دیگر تکرار است و باید حذف کرد یعنی انجمن نظار اعلان میکند که در ۵ روز یا ۱۰ روز تفرقه میدهد در همان مجلس هم رای می گیرد اما ساعتش را معین نکرده و در این فقره از ماده ۲۴ یا ۳۵ که تعیین ساعت هم کرده خبر کمیسیون نوشته محتاج نیست باید حذف شود در صورتیکه تعیین ساعت باید بشود و این را نباید حذف کرد مدت را باید حذف کرد ولی ساعت باید باشد و زیادتی نیست.

نایب رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - متأسفانه چند ماده از قانون سابق باید لغو شود و مخالف بعضی از مواد است که جدیداً رای داده شده و بواسطه مجله که شد این اشکال تولید شد و این چیزهایی که کمیسیون پیشنهاد کرده است از نقطه نظر تناقضی است که در قانون هست و اینکه فرمودید حذف کلمه ساعت لازم نیست و باید باشد بنظر بنده آنکلمه زیادی است زیرا در ماده ۲۱ جدید که بتصویب رسیده راجع با اعلان انتخابات که قبل از توزیع تفرقه داده میشود در

آنجا قید شده است که در همان اوقات توزیع تفرقه و اخذ رای معین خواهد شد و فقره اولش این است:

مجلس انعقاد انجمن و اوقاتی که برای دادن تفرقه و اخذ رای معین می شود و همان کافی است.

اوقاتی که برای توزیع تفرقه و اخذ رای معین می شود در خود اعلان انتخابات که از طرف انجمن نظار معین می شود قید خواهد شد و ساعت هم از اوقات خارج نیست لذا حذفش لازم است

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده میخواهم تذکر بدهم که این قانون انتخابات یک قانونی است که مبتلا به است و طرف توجه است و امروز صبح آقای حائری زاده بنده اطلاع دادند و هنوز این خبر بنده نرسیده.

بنده حقیقه توجه ندارم و همینطور آنرا که آقای منشی خواندند نگاه میکنم با این هیچ تطبیق نمی کند.

اگر آقای مخبر کمیسیون اجازه بدهند یک روز این مسئله تعویق بیفتد برای نگاه کردن عرض ندارم والا بنده مخالف نیستم مقصود مهلت است که بنده نگاه کنم.

این عذر برای بنده هست که بگویم ندیده ام و مخصوصاً آن چیزی را که آقای دستغیب فرمودند تناقض و عدم تناقض را ندانستم لهذا از جهت ندانستن و مطالعه نکردن و مستحضر نبودن نمی توانم رای جاهلانه بدهم. این عذر برای بنده هست. یک روز بما فرصت بدهند روز سه شنبه مطرح شود.

حائری زاده - این را بپرت درسی و یکم شهر یوماه طبع شده است در بیست و پنجم شهریور ماه از کمیسیون صادر شده است و امروز پنجم مهر ماه است معنی است که منتشر شده است.

اما آن فرمایشی که آقای دستغیب فرمودند که اسباب خیال آقای آقا سید یعقوب شده در قانون سابق طریقه تفرقه دادن را که معلوم کرده بود آن ساعتی که تفرقه داده می شد بایستی را که اخذ رای می کردند معلوم کرده بود چون امروز تفرقه می دادند پنج روز دیگر می آمدند اخذ رای می شد و تفرقه لازم بود زمان و مکان و ساعتیکه اخذ رای میشود بنویسند آنوقت روی تفرقه مینوشته شد.

روز جمعه هفتم مهر ماه ساعت چهار بظهر تا ظهر مشغول اخذ رای خواهیم شد که من امروز میروم تفرقه بگیرم در موقع خودش بتوانم بروم رای خودم را بدهم ولی این طوری که در مجلس پسندیده اند که همان ساعتی که تفرقه داده می شود همان ساعت هم اخذ رای شود محتاج نیست که زمان و مکان وساعت افتتاح مجلس انتخاب

رازوی تفرقه بنویسند و این يك چیز زائد و لغویست از این جهت حذفش را کمیسیون لازم دید.

نایب رئیس - رای میگیرم بماده راجع بطوریکه قرائت شد آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد آقای وزیر - فوائد عامه از طرف هیئت دولت حاضر شده اند که راجع بیانات آقای مدرس توضیحاتی بدهند اگر مجلس موافقت میکند بفرمایند.

جمعی از نمایندگان چه ضرر دارد وزیر فوائد عامه چون شنیده شد که امروز صبح آقای مدرس اظهاراتی فرمودند و توضیحاتی از دولت راجع بمبلیات دوسه روزه اخیر خواسته اند.

اگر چه در آن موقع که ایشان اظهاراتی میفرمودند ما نبودیم ولی پس از اطلاع لازم شد برض آقایان نمایندگان برسانم البته محتاج برض بنده نیست و همه آقایان مسبقاً در امسال بواسطه آفت زدگی محصول بسیار از ولایات و مخصوصاً اطراف طهران مردم قدری از حیت آذوقه در عسرت هستند و بالنتیجه از وقتی که این مسئله معروض مسلم شده است دولت تمام وسائل خود را صرف تهیه آذوقه و تأمین نان اهالی طهران نموده است و دستور العملهای موکدی داده است چه از حیث حمل جنس دولتی از محله های کجنس موجود است و چه از حیث خرید جنس در ولایات مختلفه و از این حیث نگرانی موجود نیست و امیدواری کامل می رود که تا آخر سال نان اهالی طهران تأمین شده باشد.

از طرف دیگر آقایان معترزم می دانند که در ملک ما وسائل نقلیه هنوز کاملاً موجود نیست و البته یکی از مسائلی که ممکنست یک احتلال و توحشی در اذهان حاصل کند مرتب نبودن وسائل نقلیه است.

اگر فرض کنیم چند قطار شتری که باید گندم از زنجان یا همدان بار کنند و یک روز دیگر تر از آن موعدی که مقرر است برسد ممکنست برای همان یک روز تولید یک اضطراب و نگرانی بشود و اتفاقاً همین ترتیب هم پیش آمده بود و روز چهارشنبه گذشته نسبت به آن جنسی که بخجاز داده میشد بیست یاسی خروار کمتر داده شد و بالنتیجه یک مقدار کمی تفاوت در نان آروز اهالی طهران حاصل شده بود با وجود اینکه الحمدالله فصل خوبست یعنی یک کمگانه ای از نقطه نظر ارزاق عمومی موجود است که اگر بیست سی خروار نان کم باشد بوسائل دیگر میتوان جبران کرد.

ولی بصورت اینکه شاید نظر به مشوب بودن اذهان از اینکه امسال محصول بد

است و بواسطه این سی خرواری که کمتر بخجاز داده شده حقیقه عده اهالی طهران مضطرب و نگران شده اند و خواسته اند اظهارات خودشان را از مجرای مجلس شورای ملی با اطلاع دولت برسانند با وجود اینکه در طهران حکومت نظامی برقرار است و با وجود اینکه ممکن بود همان روز اول از اجتماعات جلوگیری شود ولی نظر باینکه دولت قصد خاصی ندارد و تمام توجه از این جهت آن روز از اعمال وظایف نظامی حکومت نظامی مسامحه کرد باین اطمینان که مردم آزادی بتوانند درد های خود و گرفتاری واضطراب خودشان را بسبب مصادر امور و برض مجلس شورای ملی برسانند به این جهت فقط اکتفا به نظارت در حفظ انتظامات ضروری شد.

عده وارد مجلس شدند پس از ورود به مجلس شروع کردند بشکستن در و پنجره و شیشه حتی درجه خسارت و بی ادبی را بجائی رسانند که بیچاره آقایان نمایندگان محترم جسارت نمودند و ضمناً وارد در بعضی مطالب شدند که هیچ مربوط بقصیه نان و ارزاق عمومی نبود از قبیل اینکه ما شاه میخواستیم. شاه نمیخواستیم. هتاویزی کردند که بالاخره تولید سوءظن کرده که آیا حقیقه از نقطه نظر تأمین نان است یا اینکه خیر یک عده که همیشه ماجراجو هستند و همیشه میخواهند آبر کل آلود کنند باز این احساسات واضطراب مردم را مورد استفاده خودشان قرار داده اند و یک عده را تحریک کرده اند.

برای اینکه امنیت عمومی را متزلزل کنند و بالاخره انتظامات مرکز را از بین ببرند با وجود اینکه این سوءظن در مراکز دولتی پیدا شد و اطلاعاتی هم رسید که تأیید میکرد چون ابتدا لازم بود تمام توجهات دولت معطوف به تأمین امر ارزاق شود همان روز اقدامات خیلی جدی از طرف دولت بعمل آمد و مخصوصاً در اقدامات شخص رئیس محترم دولت بیشتر از همه ابراز جدیت کردند و اوامر مؤکد صادر شد.

نقلیه قشون باختیار اداره ارزاق گذاشته شد و بولایات تلگرافات شد و همان روز اطمینان حاصل شد که ارزاق طهران تأمین شده است و همین اطلاع بوسیله سردسته ها و بوسیله کسانی که با اجتماع میکنند کان ارتباطی داشتند به آن ها گفته شد و به آنها اطمینان داده شد که بی خود اضطراب نکنند و نگران نباشند زیرا نان اهالی طهران تأمین شده است حتی خود آقای مدرس که این بیانات را فرمودند برای اطمینان اهالی مجبور شدند



نوشته بدهند در تأمین ارزاق طهران و بالتبعه يك تضيئه بود و پیش آمدولی با وجود این تصور میرفت که وقتی فردا مردم دیدند کاکین خبازی پرازنان است و بیشتر از روزهای معمول نان در طهران وجود دارد و بهتر از روزهای دیگر هم هست دیگر بکلی موضوع از بین می رود و البته اکثریت اهالی طهران که مردمان صالح و امنیت طلب هستند و از هر نوع از بین عملیات بیزارند میروند بی کسب و کار خودشان .

بالاخره صبح پنجشنبه با وجود این که علاوه بر دستورالعملهائی که شب داده شده بود مأمورین خاصی هم از طرف اداره ارزاق و حکومت نظامی مأمور شدند که مراقبت کنند در امر نان و باین مناسبت صبح پنجشنبه بهترین وضعیت نان در شهر بود قسمی که تمام دکانهای خبازی ملو بود از بهترین نان و برای اینکه کمی نان و گرسنگی روز قبل جبران شده باشد یک مقداری هم زیاد تر از آنچه مقرر بود بخت شد با وجود این دیده شد که يك عده از دکا کین باز نشده و اجتماعات متفرق نشده و بالاتر اطلاعات قطعی هم بدولت رسید که بدون مراجعه به مجلس یا بدولت در صدد تشبث بیاره مقامات غیر مشروع شدند .

دو رسته شدند يك قسمت خواستند بیاره جاها بروند که برای ایرانی غیر سزوار است و يك عده هم بطور مهاجمه خواستند بیایند و مجلس .

آقا سید یعقوب - عملیات روز قبل را بفرمایند .

وزیر فوائد عامه عرض کردم از قبیل شکستن درب پنجره مجلس و مزاحمت به آقایان .

همه اینها عرض کردم . البته در آن موقع دولت نمیتوانست همان رویه را که روز قبل داشت یعنی اغماض و مسامحه در جلو گیری بنماید .

این جا بود که اولین وظیفه دولت که عهده دار امنیت عمومی و عهده دار آسایش اهالی طهران است این بود که بهر قیمتی که شده و بهر قدرتی که شده ابادی فساد را قطع کند و حتی سعی نماید که مراکز فساد را کشف کند زیرا که آن آقایان نمایندگان محترم و نه دولت نمیتواند و نباید امنیت عمومی را مله به تصور کنند و بر عکس هر کس منبع فساد باشد و هر طور ابادی فساد باید کشف شود قطع شود باین جهت بود که ابتدا يك اقداماتی بعمل آمد و جلو گیری شد از دستجاتی که میخواستند بیاره جاها بروند و جلو گیری هم شد از آنها که میخواستند بمجلس حمله کنند و بالاتر نظر باینکه آن سوء ظن روز چهارشنبه مبدل بیقین شد که دستهای فساد در کار است و میخواهند شورش کنند دولت مجبور شد برای کشف حقیقت امر يك عده را هم

توقیف کنند البته در يك همچو مواقعی در میان این عده ابتدا نمی شود زیاد تحقیقات مقدمانی کرد و مقصر حقیقی را تشخیص داد و بعد توقیف کرد .

يك عده یعنی ابتداء آنهائی که مورد سوء ظن واقع شوند بایستی دعوتشان کرد بعد از آنکه بی گناهی آنها هم ثابت شد البته مرخص می شوند و اگر بر عکس مسلم شد که آنها مقصر هستند و در ایجاد این فساد ذی نفع بوده اند من یقین دارم که تمام نمایندگان محترم تصدیق خواهند کرد که باین نسبت با آنها شدیدترین مجازات ها اعمال شود این بوده است قضیه تا بحال و اطلاعاتی که ما داشتیم و لازم بود که خیلی ساده و واضح بعرض نمایم که محترم برسد و درین موقع در خانه می خواهم عرض کنم که ابتدا از نقطه نظر آذوقه اهالی طهران نگرانی نیست و تمام اقداماتی که برای تأمین آذوقه و ارزاق عمومی لازم بوده است بعمل آمده است و روز بروز بهبودی اوضاع مشاهده خواهد شد .

نایب رئیس - پیش نهاد های را صلح راجع باده اول قانون ممیزی قرائت میشود (بشرح ذیل قرائت شد)

پیش نهاد آقای شیروانی : دو فقره اصلاح ذیل را باده اول پیش نهاد میکنم مالیات املاک اربابی (بغیر از خالصجات انتقالی که صدی شش در یافت خواهد شد) - الی آخر در قسمت (ج) طواحین و آبادنگها از عایدات مطلق مالکانه صدی پنج نایب رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - راجع باین ماده دوسه تا پیش نهاد شده بود و فرار شد که بکسیسیون برود و در آنجا در این باب مذاکرات شود و بمجلس بیاید .

بنده همچو احساس میکنم که هنوز بکسیسیون نرفته و در آنجا راجع بخالصجات انتقالی يك مذاکرانی نشده و حل نشده اینست که بنده هم اجازه می خواهم اظهارات خودم را بکنم موضوع خالصجات انتقالی را البته همه آقایان میدانند که در تمام نقاط مملکت اسباب زحمت یک عده از مالکین شده

در اینجا بعضی ها اظهار کردند که خالصجات انتقالی را مردم از دولت خریدند که منتهی با يك شرایطی از دولت بموجب فرمان خریدند و شاید هر کدامش پنج دست و شش دست گشته و بدست مردم افتاده است و در قباله های زنهاشان افتاده است و ملک مردم است ولی با يك شرطی خریدند که در قباله ذکر شده است که مالیات او فلان قدر است

حالا مجلس شورای ملی تشخیص میدهد که اگر يك مالیات سنگینی از يك چنین ملکی گرفته بشود

آن ملک بکلی از بین می رود حتی صاحبش هم از بین می رود و دولت نمیتواند استفاده کند

اینست که شاید يك عده از آقایان موافقت کنند و يك مالیات سنگینی مرتع شود و همان طور که آقای مدرس اظهار کردند هم سبب آبادی ملک می شود و هم دولت میتواند بیشتر از امروز از آنها استفاده کند .

بنده اطلاع دارم در اصفهان خالصه انتقالی هست که در سال باید چهار صد خروار جنس بدهد و دولت مجبور شده است سی خروار مقاطعه بدهد اینست که بالاخره باید يك تصمیمی برای خالصجات انتقالی گرفته شود .

آقای وزیر مالیه فرمودند که بعدها ما يك لایحه تنظیم میکنیم و می آوریم در مجلس .

اینطور عده ها غالباً داده شده است ولی متأسفانه کمتر پیش عمل شده است امروز که ما بخواهیم تمام املاک و اراضی و مالیات این مملکت را همین کنیم نمیتوانیم از يك قسمتش صرف نظر کنیم و يك عده از مردم را دچار بدبختی بکنیم و بالاخره همان طور که آقای مدرس پیش نهاد کردند و بنده هم پیشنهاد کردم صدی سه را صدی شش کنند یعنی دو برابر مالیات از املاک خالصه گرفته شود بآن شرطی که درش شده است .

در اینجا گفته شد که ممکنست عایدات دولت کم شود .

بنده خیال میکنم اینطور نباشد برای اینکه همینطور که يك خالصجات انتقالی داریم که مالیاتش خیلی کم است يك خالصجات انتقالی هم داریم که هیچ مالیات ندارد .

وقتی اینها را با هم تطبیق کردیم يك قدری هم عایدات دولت زیادتر میشود حالا فرض میکنیم زیاد هم نشود ما اینجا نیامده ایم که هر قدر دولت میل دارد عایدات را زیاد کند ما در اینجا نشسته ایم که هم آسایش عمومی را تأمین کنیم و هم اینکه ضمناً نگذاریم عایدات دولت از بین برود .

بنابراین بنده پیش نهاد کردم که مالیات خالصجات انتقالی همین امروز تکلیفش معلوم شود و راجع به آن قسمت دوم هم يك مرتبه توضیح میدهم که یادنگ در واقع يك مالیات است که از دست نیج گرفته می شود و مقصود از یادنگ اگر محل است که يك دکانست و جزء مستغلات مالیات از او گرفته می شود

ولی یادنگ در عمل آنکسی است که آنجا دنک میاندازد بنده اینطور بنظر می رسد و هیچ سزاوار نیامده که از عمل و دست رنج اشخاص مالیات گرفته شود .

وزیر معارف - بنده قسمت مهم

افظهارات آقای شیروانی را تصدیق میکنم ولی اینکه فرمودند که بنده در مجلس عرض کردم که در کسبوسن مذاکره خواهد شد

بنده اینطور عرض نکردم بنده عرض کردم نظر باینکه این کار در محل خودش نهایت اهمیت را دارد عن قریب یعنی همین چند روزه يك جلسه در هیئت وزراء با حضور مستشاران آمریکائی تشکیل خواهد شد و درین باب يك تصمیمی گرفته میشود و بعرض مجلس میرسد و اگر تا آخر قانون ممیزی آن تصمیم دولت بعرض مجلس نرسید البته مجلس شورای ملی مختار است هر طرز که صلاح بداند بخواهد مالیات وضع کند .

ولی يك مطالباتی لازمست درین باب بشود و بعد بعرض مجلس شورای ملی میرسد اما در قسمت دوم پیش نهاد ایشان دولت هم با این پیشنهاد مخالفتی ندارد حالا دیگر بسته است بنظر آقایان .

شیروانی - بنده تقاضا میکنم پیشنهادم که ما بخواهیم تمام املاک و اراضی و مالیات این مملکت را همین کنیم نمیتوانیم از يك قسمتش صرف نظر کنیم و يك عده از مردم را دچار بدبختی بکنیم و بالاخره همان طور که آقای مدرس پیش نهاد کردند و بنده هم پیشنهاد کردم صدی سه را صدی شش کنند یعنی دو برابر مالیات از املاک خالصه گرفته شود بآن شرطی که درش شده است .

در اینجا گفته شد که ممکنست عایدات دولت کم شود .

بنده خیال میکنم اینطور نباشد برای اینکه همینطور که يك خالصجات انتقالی داریم که مالیاتش خیلی کم است يك خالصجات انتقالی هم داریم که هیچ مالیات ندارد .

وقتی اینها را با هم تطبیق کردیم يك قدری هم عایدات دولت زیادتر میشود حالا فرض میکنیم زیاد هم نشود ما اینجا نیامده ایم که هر قدر دولت میل دارد عایدات را زیاد کند ما در اینجا نشسته ایم که هم آسایش عمومی را تأمین کنیم و هم اینکه ضمناً نگذاریم عایدات دولت از بین برود .

بنابراین بنده پیش نهاد کردم که مالیات خالصجات انتقالی همین امروز تکلیفش معلوم شود و راجع به آن قسمت دوم هم يك مرتبه توضیح میدهم که یادنگ در واقع يك مالیات است که از دست نیج گرفته می شود و مقصود از یادنگ اگر محل است که يك دکانست و جزء مستغلات مالیات از او گرفته می شود

ولی یادنگ در عمل آنکسی است که آنجا دنک میاندازد بنده اینطور بنظر می رسد و هیچ سزاوار نیامده که از عمل و دست رنج اشخاص مالیات گرفته شود .

وزیر معارف - بنده قسمت مهم

شرب میرسد

نایب رئیس - این پیش نهاد را تبدیل کرده اند باین یکی

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم قسمت (۱) اینطور اصلاح شود :

از عایدات خالص قنواتی که اراضی ندارد صدی پنج . (یوسف عدلی - اطف الله یقوانی - اسکندری)

نایب رئیس - آقای عدلی . (اجازه)

عدلی - قنواتی که بشهر میاید غالباً يك قنواست که در دهات اراضی داشته اند و آن اراضی را مشروب می کرده اند بعد آن اراضی را بحال دیم گذاشته اند و آب آنها را بشهر ها آورده اند .

در قسمت اول ما گفتیم که از اراضی اعم از آبی و دیمی صدی سه مالیات اخذ می شود ولی این قنواتی که بشهر میاید مستلزم يك مخارج نیست

که سالیانه ارباب قنوات می دهند و وقتیکه مخارج آنها را موضوع نکنند و این مالیات صدی پنج را بر آنها تحمیل کنند آن وقت برای صاحب قنات صرف نخواهد کرد که آب را بشهر بیاورد و آب قنات را با صاحبان اراضی می فروشد آنوقت شهر ها از حیث آب در مضیقه می افتند .

بعلاوه قنوات يك ملک است که مخارج زیاد دارد و مثل سایر مستغلات قنوات را نمی شود در شماره خانه و غیره حساب کرد برای اینکه اینها بقدر خرج ندارد ولی قنات يك ملک است که سالیانه برای آن باید يك مبلغ گزافی خرج کرد .

این است که ما پیشنهاد کردیم که مخارج هر چه باشد صدی سه یا صدی پنج موضوع کنند بعد مالیات بگیرند .

این يك قسمت است اما قسمت دوم که می نویسد از عایدات قنواتی که بمصرف شرب می رسد قنوات همه شان بمصرف شرب می رسد از قنات که لباس نمی دوزند این است که بنده این اصلاح عبارتی را هم پیشنهاد کردم .

قنواتی که به مصرف اراضی نمیرسد و اراضی ندارد دیگر بسته بنظر آقایان است .

وزیر معارف - بنده تصور میکنم بعد از آنکه بنده مختصری عرض کردم خود آقایان قانع خواهند شد .

اولا اینکه نوشته شده است از عایدات قنوات صدی پنج و صدی ده نوشته نشده برای این است که پس از وضع صدی پنج بقیه اش برای مخارج قنوات منظور شده باشد .

مثلا از برای يك قناتی که صد تومان

عایدی دارد چه قدر مخارج فرض می کنید ؟

فرض بفرمائید يك قناتی که سالیانه صد تومان عایدی دارد چهلتومان مخارج داشته باشد باز شصت تومان عایدی خالص دارد از شصت تومان پنج تومان بعنوان مالیات می دهد .

پس اگر قنوات را با املاک مقایسه کنند خواهند دید که نسبت بقنوات فوق العاده رعایت شده و سزاوار بود که يك اندازه هم از این مقدار اضافه تر نوشته شود .

عدلی - اجازه می فرمائید ؟

نایب رئیس - متأسفانه نظامنامه اجازه نمی دهد .

سایر آقایان که پیشنهاد را امضاء کرده اند اگر بخواهند می توانند صحبت بکنند .

رأی می گیریم بقبول توجه بودن پیشنهاد آقای عدلی . عده برای رأی کافی نیست .

آقای میرزا سید احمد بهجانی - تنفس بدهید .

(یک نفر از نمایندگان - وارد شدند)

نایب رئیس - فعلا عده کافی شد رأی می گیریم بعد تنفس داده میشود .

رأی می گیریم بقبول توجه بودن پیشنهاد آقای عدلی . آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند .

(عده ای برخاستند)

نایب رئیس - قابل توجه نشده . چند دقیقه تنفس داده میشود .

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

نایب رئیس - پیشنهاد آقای تهرانی وزیر عدلیه - اجازه میفرمائید

نایب رئیس - بفرمائید

وزیر عدلیه - لایحه ایست از طرف وزارت فوائد عامه راجع بامتیاز چراغ برق در شهر ها تقدیم میشود .

نایب رئیس - ظاهر آ باید بکسیسیون فواید عامه ارجاع شود . پیشنهاد آقای تهرانی

(بشرح آتی خوانده شد)

این بنده پیشنهاد می نمایم از ماده اول (که بموجب قانون مله بدهد مشخص میشود) حذف فقره پنج ذیل اضافه شود .

۵ - خالصجات انتقالی باید مالیات سابق خود را بپردازند ولی مالکین خالصجات میتوانند زائد بر صد سه را از قرار هر يك خروار و هر يك تومان ده تومان از دولت خریداری نمایند که مقطاً در مدت ده سال یا کمتر بپردازند و پس از قرار داد با مالیه مالیات خالصجات انتقالی - سی مانند سایر املاک اربابی تأدیه مالیات می نمایند .

طهرانی - بنده هر مرانمأرا که

مشاهده کردم دیدم در یکی از موادش نوشته اند که کلیه خالصجات بایستی واگذار بر عابا و افراد مملکت بشود و این یکی از آمال و آرزو های پیروان الک مختلفه است .

حالا که خالصجات انتقالی را تملیک کرده اند و دست بدست هم گشته است نظر باینکه دولت در هر سال از برای گرفتن مالیات يك مذاکرات فرق العاده با مالکین میکند و مالکین از ترس اینکه مبادا آن جان را آباد کنند و دوات دست روی آن بگذارند آن جا را آباد نمیکنند از این جهت کلیه املاک خالصجات انتقالی مخروبه است .

لذا بنده پیشنهاد کردم از روی آن اصل اساسی که باید کلیه خالصجات با افراد مملکت فروخته شود هر کسی که دارای خالصه انتقالی است بآن اندازه که امروز دولت از آنها مالیات می گیرد همیشه بپردازد .

ولی اگر مالک منفعتمش را در این طور ندانست میاید و مازاد بر صدی سه را از قرار يك برده میخورد قیمت آنها هم مثل سایر املاک باشد خالصجات انتقالی با سایر املاک چه فرقی میکنند .

املاک دیگر را هم که خرید و فروش میکنند بلا حفظ ده يك قیمت می کنند . مثلا اگر هزار تومان قیمتش است باید در سال صد تومان عایدی بدهد و اگر هزار تومان قیمتش است باید در سال هزار تومان عایدی داشته باشد .

بنابراین نگاه میکنیم ببینیم يك ملک که صد خروار محصول دارد صد سه و املاک سی خروار است می ماند هفتاد خروار را از قرار هفتصد خروار میخرند و هفتصد خروار جنس بدولت میدهند و آن را تملیک می کنند و مالک میشوند وقتی این شکل شد آن وقت مالکین خالصجات انتقالی خودشان را مالک میدانند و در صد ابادی املاک بر می آیند . اگر دارند دفعه بخرند و اگر ندارند در مدت ده سال قیمت آنرا بدولت میدهند . هم آنها از دست دولت راحت میشوند و هم دولت از دست آنها راحت میشود .

نایب رئیس - عقیده مغرب کبسیسیون چیست ؟

مغرب - چون راجع بخالصجات انتقالی مذاکرانی شد و بنا شد قانون جدیدی در آن باب تهیه شود ممکن است بماند برای بعد حالا دیگر بسته برای آقایان است .

نایب رئیس - رأی میگیریم به قابل توجه بودن این پیشنهاد . آقایانی که موافقت بقیام فرمایند .

(عده برخاستند)

نایب رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای حائریزاده .

(بشرح آتی خوانده شد)

بنده عرض ماده اول سه ماده ذیل را پیشنهاد میکنم .

۱ - مالیات کلیه املاک اربابی عبارت از عشر عایدات دو عامل مهم زراعت یعنی آب و زمین است بعد از وضع مخارج .

۲ - تأدیه کنند مالیات کسی است که عوائد دو عامل آب و زمین را میبرد .

۳ - مخارج مذکور در ماده اول در هیچ مورد بیش از ضمن منظور نمی شود .

تیسره اول و درم را بورت سابق بحال خود باقی است .

حائریزاده - این لایحه که مالان داریم در اطرافش صحبت میکنیم در مجلس چهارم دولت هائی که آمدند و رفتند یکی بعد از دیگری يك لایحه در این موضوع آوردند و تمام اینها پایه مالیات را روی هایدات مالک گذارده بودند لولایشان موجود است اول آقای مصدق السلطنه يك لایحه آوردند بعد آقای مدیر الملک بعد آقای فهیم الملک و بعد آقای ذکاء الملک در تمام این لوابح پایه را روی هایدات مالک گذارده بودند .

ولی آقایان آمریکائی را که برای اصلاحات مالیه استخدام کرده بودیم به عقیده من سلیقه کج آنها نگذاشت این قانون در دوره چهارم بگذرد و این دوره هم تا کنون نگذاشته است . ما باید به بینیم که مالیات را از چه می خواهم بگیریم مالیات را ما بردست رنج و حاصل زحمت زارع نمی خواهیم وضع کنیم .

مالیات را بر بنری که زراعت میکنند نمی خواهیم وضع کنیم .

اگر يك روزی خواستیم مالیات بر سرمایه وضع کنیم آن وقت بکسیسیون وضع می کنیم آن يك مبغی است عایدی که مربوط باین قانون نیست .

مالکین که از مناطق دو عامل مهم زراعت که آب و زمین است استفاده میکنند دولت از آنها يك سهمی می گیرد که آب و زمینشان را حفظ کند که از دست برد سارقین محفوظ باشد فرض کنید دو خرمن در اینجا موجود است و درصد خروار روی این دوزمین گذاشته است یکی این صد خروار یا پدرش بوده یا خورا کی که بگاها داده اند بوده یا مزد عملی بوده و با کودی بوده که برای محصول مصرف شده ما بر این ۲۰ خروار عشر ۲۳ شتر هر چه که مخارج مملکتی را تأمین میکند باید مالیات وضع کنیم .

يك خرمن دیگر که صد خروار است ۵۰ خروار خرج موجودش شده است



مثلا قنات نداشته چشمه بود است یا  
 دیم بوده است بهر صورت ۵۰ خروار خرج  
 موجود شدنش شده است و ۵۰ خروار هم  
 عایدات مالک است که وارد انبار می-  
 شود.  
 مالین دو خرمن صد خرواری را نباید  
 مثل هم مالیات از شان مطالبه کنیم و از  
 هر کدام ۳ خروار مالیات بگیریم چون  
 یکی از این دو خرمن ۵۰ خروار خرج  
 موجود شدنش شده و آنجه وارد انبار مالک  
 می شود ۵۰ خروار بوده است و خرمن دیگر  
 هشتاد خروار خرج موجود شدنش شده و بیست  
 خروار وارد انبار مالک می شود از این  
 دو خرمن از هر کدام ۳ خروار مالیات بگیریم  
 این بی تناسب است.  
 بنده عرض نمیکند که مالیات تعیین بر  
 کارگر می شود غیر مالک اگر محتاج به  
 کارگر است مالیاتش را خودش می دهد و  
 کارگر را حفظ میکند و اگر کارگر  
 احتیاج دارد که سرملک آقا برود البته  
 مالیات را تحمل میکند و منت از اربابش را  
 هم میکشد.  
 ولی از دو خرمنی که یکی هشتاد  
 خروار خرج موجود شدنش شده دیگری  
 ۵۰ خروار مخارجش شده از هر کدام ۳  
 خروار بگیریم.  
 این بی تناسب است و بی عدالتی است  
 و پایه که آقایان آمریکائی گذاشته اند روی  
 این اساس است و این غلط است.  
 دولت های دوره چهارم که این لایحه  
 را یکی بعد از دیگری آورد، بودند تمام  
 پایه را روی عایدات مالک گذاشته بودند  
 و می گفتند که ما می آیم تشخیص می-  
 دهیم که مالک چقدر از این خرمن سهم  
 می برد آنوقت از مالک عشر می -  
 گیریم.  
 مجلس می گفت زیاد است آنهایی -  
 گفتند کم است این حرف ها در بین  
 بود.  
 ولی حالا بنده معتقدم که پایه غلط  
 گذاشته شده بی عدالتی است.  
 اما اگر پایه را روی عایدات مالک  
 بگذارند عشر را کافی ندانند و خمس یا  
 ربع بگیرند من مخالفت نمی کنم.  
 ولی در این لایحه پایه را روی خرمن  
 گذاشته اند و می گویند که از خرمن و  
 محصول باید مالیات گرفت و این اصل را  
 بنده برخلاف عدالت می دانم و متناسب  
 با طرز زراعت و معیشت رعیتی مناسب است.  
 آقایان آمریکائی این را درست تلفظ  
 نشده اند یعنی آقایان وزراء ما نتوانسته اند  
 درست مطالب را با آنها بفهمانند.  
 راست است که برای دولت وصول این  
 گونه مالیات خیلی سهل میشود و بی درد  
 سر می تواند مالیات را وصول کند و هر جا  
 چشمه افتاد و دید یک خرمنی هست می-

کسی است که هفتاد خروار را میبرد آن  
 وقت سه خروار بدولت میدهد  
 پس بهر زبانی که محاسبان کتیم صدی  
 سه درحقیقت نزدیک بشر خلاص عایدات  
 مالکانه است و یک چیزی هم کمتر بیش  
 نهاد خودتان خواهد شد  
 البته همان طور که فرمودید تسهیل  
 کار دولت را هم نباید از نظر دور داشت  
 و وصول مالیات باین ترتیب هم برای  
 دولت هم برای مالک هم برای رعیت و  
 هم برای زارع سهل است بعد دیگر دولت  
 چه کار دارد که ببیند رعیت و ارباب با هم چه  
 مذاکراتی میکنند یا فلان شخص با رعیتش  
 چه طور سلوک می کند  
 این بسته برضایت طرفین است یک رعیتی  
 بثلت حاضر می شود معامله کند بک رعیت بر ب  
 یکی بخمس و این دیگر چیزی نیست که  
 دولت بتواند در این قسمت مداخله کند  
 جمعی از نمایندگان - مذاکرات  
 کافیست.  
 نایب رئیس - آقای مغبیر این پیشنهاد  
 را قبول می کنند؟  
 مغبیر - رأی بگیریم.  
 نایب رئیس - رأی بگیریم. قابل توجه  
 بودن این پیشنهاد  
 آقایانیکه قابل توجهش میدانند قیام  
 فرمایند  
 (عده کمی قیام نمودند)  
 نایب رئیس - قابل توجه نشد.  
 پیشنهاد آقای آقا میرزا شهاب بعنوان  
 تبصره دوم  
 (بشرح ذیل خوانده شد)  
 تبصره دوم را بماده اول بطریق ذیل  
 پیشنهاد می کنم.  
 تبصره دوم - مالیاتهاییکه بر طبق ماده اول  
 از کل عایدات گرفته میشود و متعلق به سهم رعایا  
 و زارعین ندارد و مالکین از سهم مالکانه  
 خواهند پرداخت.  
 آقا میرزا شهاب - گرچه این از طرف  
 دولت اظهار شد که این مالیات صدی سه که بنده  
 همان طور که سابق اظهار کردم حالا هم عقیده  
 دارم که این کار غیر عملی است یعنی بالتبصره  
 معلوم خواهد شد که این مالیات بی اندازه  
 کمتر خواهد شد از مالیاتی که بایستی بدولت  
 داده شود حالا کار نداریم.  
 این رأفت راجع به مالکین شده است که  
 مالیات صدی سه شده است بنده هم از طرف  
 هموملا کین تشکر می کنم ولی حالا که  
 ماخذ مالیات را از آن ماخذهای گزافی که  
 بوده است آورده ایم به صدی سه تنزل  
 داده ایم بنده از طرف یک مشت رعیت  
 زحمت کش استعدا میکنم که آقایان این  
 صدی سه را دیگر تحویل بر سهم رعیت  
 نکنند و آن بچه طریق خواهد شد؟  
 باین طریق که در قانون هم پیش بینی  
 بشود یعنی یک تبصره ۵ یک ماده یک  
 چیزی باشد که معلوم کند این صدی

سه که گرفته می شود از سهم مالکانه است  
 و متعلق به سهم رعیت ندارد و لوچنانچه عرض  
 کردم آقای قاضی این جا اظهار فرمودند  
 که این صدی سه متعلق به مالک است پس  
 وضع با راسته بمذاق وضع سهم رعیت است  
 بمذاق چیست؟ بمذاق چیست؟ تمام اینها را  
 فرمودند ولی اینها را که میفرمایند در زمین  
 فضای بهارستان می ماند در صورت مشورت  
 مجلس نوشته می شود و جزء ماده قانون  
 شود.  
 لذا بنده این تبصره را پیشنهاد کرده  
 که این صدی سه را که این جا وضع میکنم  
 متعلق سهم مالک داشته باشد  
 یعنی از کل محصول گرفته شود ولی  
 مالک از سهم خودش بدهد مثلا فلان ده که  
 صد خروار عایدات دارد از این صد خروار  
 سه خروار از دولت ببرد بعد تقسیم کند  
 باین ترتیب که در پاره جاها که معمول است  
 سی خروار از این صد خروار را رعیت ببرد  
 باز رعیت همان سی  
 خروار را ببرد سایر مخارج را هم همانطور  
 که بود مالک بدهد نه اینکه مالکین رعیت  
 بگویند که از صد خروار حاصل این مزرعه  
 سه خروار موضوع شد نود و هفت خروار  
 باقی مانده پس شما باید از همین نود و هفت  
 خروار صدی سه ببرید آنوقت از سهم آنها هم  
 یک خروار کم کنند.  
 این دیگر بسته بانصاف آقایان است  
 که در صورتی که مقتضی میدانند یعنی می  
 خواهند جلو گیری کنند که یک لطمه بر رعایا  
 وارد نیاید و از آنطرف هم یک اختلاف  
 جدیدی بین مالکین و رعایا ایجاد نشود که  
 بالتبصره مورث بکار جماعتی بشود بهتر این  
 است که با این تبصره که چیزی هم نیست  
 و عقیده دولت هم همین است موافقت کند  
 و این تبصره را قبول کنند.  
 اگر هم تصویب این است که این ترتیب  
 که بین مالک و رعیت است بهم بخورد و یک  
 کشمکش هائی بین مالک و زارع تولید  
 شود شاید آن وقت بنده هم مخالف  
 نباشم.  
 وزیر معارف - اولاً بنده در ضمن  
 اظهاراتم عرض نکردم که این لایحه پیش  
 نهادی دولت از مالیات سابق کمتر خواهد  
 شده.  
 بنده نسبت به پیشنهاد آقای حائری زاده  
 عرض کردم که لایحه دولت از آن کمتر است  
 ولی این اظهارات آقای آقا میرزا شهاب  
 بجای خودش کاملاً صحیح است.  
 البته به چه وجه من الوجوه دولت هم  
 نظر ندارد که از سهم رعیت چیزی گرفته  
 شود ولی اگر این قید هم بشود یک اختلافی  
 در امور رعایا و ارباب ها حاصل خواهد  
 شد.  
 عرض کردم در این مملکت ترتیب تقسیم  
 یکطور نیست مثل هم زدم باز هم ممکنست  
 عرض کنم زنجان کردستان و قزوین بعضی

بلوکات آنجا هست (این ها در نظر  
 هست شاید خیلی نقاط دیگر هم باشد) که  
 رعیت خیلی زیاد تر میبرد و شاید یک قسمت  
 مالیات را او میدهد.  
 اگر امروز ما این تبصره را بخواهیم  
 تصویب بکنیم آنوقت بین مالکین و رعایا  
 اختلافی حاصل خواهد شد ولی این قانون  
 چه وقت مکلف نمیکند رعیت را که برای  
 نادره مالیات حاضر بشود برای اینکه این  
 مسئله مالک و رعیت هم یک چیزی است که  
 باید برضایت طرفین باشد و اگر یک مالک  
 بی انصافی باشد بخواهد یک همچو تعمیلی  
 را بکند می گوید من حاضر برای رعیتی تو  
 نیستم  
 نایب رئیس - عقیده کمیسیون  
 چیست؟  
 مغبیر - بسته برای مجلس است  
 نایب رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد  
 آقای باستانی  
 (بشرح ذیل خوانده شد)  
 بنده تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم که  
 ضمیمه ماده اول شود  
 تبصره ۲ - صدی سه مالیات در قرقه اولی  
 فقط شامل عایدی سهم مالک متعلق بآب و زمین  
 خواهد بود.  
 بعضی از نمایندگان - این پیشنهاد رد  
 شده است.  
 باستانی - اجازه میفرمائید  
 نایب رئیس - مختصر بفرمائید  
 باستانی - عرض میشود در جلسه گذشته  
 بنده راجع بماده اول مخالفت کردم و عرض  
 کردم که در زمان مرحوم شاه شهید ناصر -  
 الدین شاه بدفعان مالیات نبستند ولی حالا  
 مجلس پنجم که متشکل است از یکماده آزادی  
 خواهان میخواهند مالیات بدفعان بعمل دهقان  
 بینند  
 بعضی از نمایندگان - اینطور نیست  
 باستانی - همین است که عرض میکنم  
 بگنارید توضیح بدهم بمذیبتی جواب بدهید  
 در صد خروار باخلاقه که آقای وزیر معارف  
 فرمودند در بعضی جاها بیست و پنج خروار  
 مال عمل دهقان است در بعضی جاها بیست  
 خروار مال عمل دهقان است در بعضی جاها  
 کم و زیاد علی ای حال ما مالیات را که از کل  
 محصول برداشت کنیم شامل سهم دهقان هم  
 میشود ایشان فرمودند اختلافاتی که در  
 تقسیم زراعت هست باعث می شود که اختلافی  
 در امر میزبانی حادث شود اینطور که  
 در امر میزبانی حادث شود اینطور که  
 بنده پیشنهاد کردم نمی شود برای اینکه  
 بنده پیشنهاد کردم از سهم مالک متعلق به  
 آب و زمین گرفته شود آنوقت  
 هر طور زراعت تقسیم شود  
 تقسیم شود تفاوت نمیکند علی ای حال این  
 دهقان و رعیتی که در عرض سال در کرما  
 و سرما کار میکنند در نتیجه صد و پنجاه من  
 جو و صد و بیست من گندم در سال عادی بیشتر  
 گیرش نمی آید و در این سنوات سی من چهل

من بیشتر گیرش نمی آید این را نباید رفت  
 يك مقدار بی عنوان مالیات ازش گرفت -  
 گفته شد که ترتیب مزارعه است و بنا بر  
 تراضی است خود مالکین با زارعین  
 کنار میروند قرارداد زورمند با ناتوان  
 نتیجه اش معلوم است اگر مالکین ایستادگی  
 کردند در یک حوزه ای که میخواهند میزبانی  
 شود گفته حتماً بایستی دهقانی شرکت  
 کنند در دادن مالیات آنها چه میتوانند  
 بکنند؟ فرار میکنند؟ از فلان مزرعه  
 علاقه شان را بیرون میبرند؟ از این ده هم  
 که بیرون رفتند در ده دیگر گیر مالک  
 دیگری افتند زور که ندارند بالاخره  
 قرارداد بین یک نفر زورمند و یک نفر ناتوان  
 است  
 يك دهقانی که سر تا پیش پا زورده قران  
 قیمتش نیست لباش ده قران قیمت ندارد  
 این را نمی شود مالیات ازش گرفت  
 در قدیم هم که مزرعی میکردند همیشه  
 مالیات را تعلق بمالکین داده اند  
 مالیات اربابی است مالیات مال املاک  
 است مالیات آب و زمین است ربطی بدفعان  
 ندارد مالیات بکارگر و اجرت کارگر ما  
 نمیخواهیم ببندیم چشم بندی هم که نیست  
 عبارت را یکطور بنویسید که تأمین کرده  
 باشد  
 بنده که می فهمم خود دهقان ممکنست  
 ملتفت نشود ولی در موقع عمل البته خود دهقان  
 هم خواهند فهمید و البته مقاومت خواهد کرد  
 وزیر این را نمی برد که مالیات بدهد اسباب  
 زحمت و کشمکش خواهد شد و کم کم میکشد  
 بعضی قضایا بنده عقیده ام این است که در این  
 قانون قید کنیم که این تعلق سهم بزرگ و رعایا  
 نخواهد داشت  
 نایب رئیس - عقیده کمیسیون چیست؟  
 مغبیر - رأی بگیریم  
 نایب رئیس - رأی را که بنده هم میدانم باید  
 گرفت عقیده کمیسیون را با بنده همید که قبول  
 میکنند یا خیر  
 مغبیر - خیر  
 نایب رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را  
 قابل توجه می دانند قیام فرمایند  
 (عده کمی برخاستند)  
 نایب رئیس - قابل توجه نشد - دو تبصره  
 دیگر است که تقریباً یک اختلاف مختصری دارد  
 هر دو قرائت می شود - اول پیشنهاد آقای  
 شریعت زاده است و جمعی - دوم هم پیشنهاد  
 آقای بیات  
 (بشرح آتی خوانده شد)  
 علاوه بر مالیاتی که نسبت به کل عایدات  
 املاک در قسمت اول ماده اول این قانون مقرر  
 است صدی نیم برای توسعه تعلیمات ابتدائی  
 و تأمین حفظ الصحه عمومی مملکت از املاک  
 مزبوره دریافت خواهد شد وزارت مالیه  
 مکلف است وجوه حاصله از اجرای این ماده  
 را بدون کسر مخارج وصول و در خزانه  
 مملکت نگاهداری نماید تا موافق مقررات  
 قانونی بمصارف راجعه بتعلیمات ابتدائی و  
 صحی مملکت برسد  
 شریعت زاده - تدین - محمدولی اسدی  
 بهرامی - داور - دیوان بیگی - صدرائی -  
 دکتر امیر - سلیم ایزدی - قطبمی - محمود  
 وحید - کاشانی - شیروانی - ضیائی - محمد  
 هاشم میرزا  
 مقام منبع ریاست محترم مجلس

بودن پیشنهاد آقای باستانی آقایان موافقین  
 قیام فرمایند  
 (چند نفر قیام نمودند)  
 نایب رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد  
 دیگر املاک آقای دامغانی است  
 (بشرح ذیل خوانده شد)  
 بنده پیشنهاد میکنم تبصره ذیل را  
 یکمخصر معصوم بابت سهم رعیت معاف  
 از مالیات خواهد بود  
 دامغانی - اینجا بنده آقا با نادر افراط  
 و تفریط می بینم یک قسمت نظرشان این است  
 که تمام مالیات قبل از تقسیم همه اش بر مالک  
 توجه پیدا کند  
 متلاصده خروار که یک مزرعه عمل آورده  
 سی خروار سهم مالک شده بقیه را رعیت بدهد  
 تمام مالیات صد خروار را مالک بدهد این خیلی  
 ظلم است یک قسمت دیگر عقیده شان این است  
 که فقط از آب و ملک بگیرند بنده عقیده ام  
 این است که قسمت عادلانه همان پنج اصلی  
 است که غالباً مذاکره شده است آب و ملک  
 و بندر و گاو کار از سهم کار رعیت باید مالیات  
 گرفته نشود و توضیح بشود که از آن چهار  
 سهم دیگر مالیات گرفته می شود ام از اینکه  
 مال مالک باشد یا مال رعیت باید مالیات بدهد  
 این است عقیده بنده و باین جهت این پیشنهاد  
 را کردم  
 نایب رئیس - عقیده کمیسیون چیست؟  
 مغبیر - رأی بگیریم  
 نایب رئیس - رأی را که بنده هم میدانم باید  
 گرفت عقیده کمیسیون را با بنده همید که قبول  
 میکنند یا خیر  
 مغبیر - خیر  
 نایب رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را  
 قابل توجه می دانند قیام فرمایند  
 (عده کمی برخاستند)  
 نایب رئیس - قابل توجه نشد - دو تبصره  
 دیگر است که تقریباً یک اختلاف مختصری دارد  
 هر دو قرائت می شود - اول پیشنهاد آقای  
 شریعت زاده است و جمعی - دوم هم پیشنهاد  
 آقای بیات  
 (بشرح آتی خوانده شد)  
 علاوه بر مالیاتی که نسبت به کل عایدات  
 املاک در قسمت اول ماده اول این قانون مقرر  
 است صدی نیم برای توسعه تعلیمات ابتدائی  
 و تأمین حفظ الصحه عمومی مملکت از املاک  
 مزبوره دریافت خواهد شد وزارت مالیه  
 مکلف است وجوه حاصله از اجرای این ماده  
 را بدون کسر مخارج وصول و در خزانه  
 مملکت نگاهداری نماید تا موافق مقررات  
 قانونی بمصارف راجعه بتعلیمات ابتدائی و  
 صحی مملکت برسد  
 شریعت زاده - تدین - محمدولی اسدی  
 بهرامی - داور - دیوان بیگی - صدرائی -  
 دکتر امیر - سلیم ایزدی - قطبمی - محمود  
 وحید - کاشانی - شیروانی - ضیائی - محمد  
 هاشم میرزا  
 مقام منبع ریاست محترم مجلس

شورای ملی دامت شو کت  
 تبصره ۲ - علاوه بر ماده اول پیشنهاد میکنم  
 تبصره ۲ - علاوه بر مالیات مأخوذه در  
 فوق صدی نیم از عایدات کل برای معارف  
 مأخوذ و عایدات هر دهی صرف معارف همان  
 ده خواهد شد  
 مارتضی بیات  
 نایب رئیس - تفاوتی که بین این دو  
 پیشنهاد است فقط این است که پیشنهاد اول  
 صحبه راهم شامل است پیشنهاد دوم صحبه را  
 ندارد  
 بیات - اختلاف دیگری هم دارد  
 نایب رئیس - آقای شریعت زاده  
 (اجازه)  
 شریعت زاده - بنده هیچ لازم نمی دانم  
 که اهمیت تعلیمات عمومی و صحبه مملکتی  
 را بر عرض آقایان برسانم و تصدین خواهند  
 فرمود که این دو موضوع منشأ و مبدأ تمام  
 سعادتها برای مملکت است زیرا بدون  
 معلومات و بالاخره بدون اجرای تعلیمات و  
 بدون اینکه این بیات جامعه تکمیل شود برای  
 افراد جامعه قضاوت در حقوق خودشان و  
 انجام وظیفه شان حاصل نخواهد شد و  
 همچنین بدون سلامتی مزاج تکثیر نفوس  
 که سرچشمه سعادت مملکت است مقدور  
 نخواهد شد  
 بنا بر این بنده امیدوارم که در این  
 پیشنهاد آقایان توجه مخصوص بفرمایند و  
 تصدیق بفرمایند که اگر در ضمن اصلاح  
 قوانین یک رعایتی از این قبیل برای معارف  
 بشود در یک آئینه از دیدکی موفقیتهای فوق العاده  
 این مملکت حاصل خواهد کرد  
 نایب رئیس - آقای بیات توضیحی  
 دارید بفرمائید.  
 بیات - این پیشنهادی را که بنده عرض  
 کردم با پیشنهادی که آقای شریعت زاده  
 و جمعی از آقایان کردند یک اختلافی دارد  
 که نظر بنده بیشتر متوجه به آن نکته است  
 پیشنهاد آقای شریعت زاده و سایر آقایان  
 که فرمودند بطور عموم است ولی پیشنهاد  
 بنده بطور خصوصی است.  
 تا بحال اگر دقت فرموده باشند مالیات  
 را یک اشخاص دیگری میدادند و به  
 مصرف یک مردمان دیگری می رسید  
 و این خودش تقریباً ظلم و بی انصافی  
 است.  
 امروزه رعایا یک مالیاتی را در یک  
 دهی میدهند و از هیچ چیز فوائد آنها  
 بهره مند نیستند اگر حفظ الصحه است اگر  
 معارف است اگر چیزهای دیگر است برای  
 سهرها یا بیشتر برای مرکز اختصاص  
 داده میشود و به مصرف دهاتی که این  
 مالیات را می دهند نمیرسد بنده این جا  
 پیشنهاد کردم که این مالیات یعنی این صدی  
 نیم اقلاً به مصرف خود آنها برسد مثلاً  
 امروز این مالیاتی که دولت وضع کرده  
 است صدی نیم هم اضافه بگیرند و این راهم



از خود همان دهی که میگیرند برای معارف همان ده مصرف کنند در واقع این جادو خدمت است یکی از حیث تحصیل اجباری که همه آقایان در نظر دارند در تمام مملکت مجرا شود اگر این ترتیب خصوصی را درست میکنند آن تعلیم عمومی اجرا نخواهد شد و نظر آقایان حفظ نخواهد شد.

ولی اگر این صورت خصوصی محفوظ شود تصور میکنم آن نظر تعلیمات عمومی اجباری در تمام مملکت مجرا شده و اگر چیزی از دست رنج رعیت گرفته می شود به مصرف خودش میرسد این است که اگر آقایان آن تفاوت را قبول بفرمایند که مال هر محلی به مصرف محل خودش برسد.

در تمام مملکت یک خدمتی شده و ترویجی هم برای معارف شده و برای صحیح هم به عقیده بنده اگر بخواهیم این مقدار را صرف کنیم آن وقت هر دو قسمت ناقص خواهد ماند و بنده عقیدم این است که اختصاص به معارف به بندهیم و از برای صحیح هم یک راه دیگری پیدا کنیم و در یک موقع دیگر ری پیش نهاد کنیم.

مغیر - پیشنهاد آقای بیات را قبول میکنم.

وزیر معارف - بنده میخواستم یک مسئله را در ضمن پیشنهاد آقای بیات عرض کنم.

ولی برای اینکه آقایان نفرمایند که چون امروز متصدی وزارت معارف هستم این عرض را میکنم عرض میکنم چندی قبل هم در موقع مذاکره از بودجه مملکتی این عرض را کردم مخصوصاً راجع به معارف ایالات و ولایات چند روز قبل هم در موضوع پیشنهاد آقای ساکنیان عرض کردم که این طرح وقتی ممکن است قابل قبول شود که وسائل عمل را مجلس شورای ملی فراهم کنند و مخصوصاً هم همین چند روزه بنده مذاکراتی با وزارت مالیه میکردم که یک چیزی را برای معارف تخصیص بدهند که بمجلس بیاید و از تصویب بگذرد.

امروز که خوشبختانه آقایان متوجه این نکته شدند بنده به آقایان نمایندگان تذکر میدهم که بودجه معارف تمام مملکت ایران فقط صدوده هزار تومان است حالا باین حال بسته بنظر آقایان است اگر این را تصویب بفرمایند البته در مدارس در ولایات و ایالات و قریبات و ترائیکه بکلی از معارف دورند دائر می شود و اگر از تصویب نگذرد باید تکلیف دیگری معین شود.

نایب رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه)

شریعت زاده - عرض میکنم چون تأثیر

قبول پیشنهاد ایشان قابل اهمیت است بنده قبول میکنم

نایب رئیس - رأی می گیریم بماده اول . . . .

حائری زاده - بانصرت.

نایب رئیس - اگر تأمل کشید به هم میرسیم. رأی میگیریم بماده اول که مشتمل بر چهارده جزء دو تبصره است با حذف کلمه یادک بر حسب پیشنهاد آقای شیروانی آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد. اگر آقایان موافقت کنند جلسه را ختم میکنیم جلسه آتیه روز سه شنبه چهارم قبل از ظهر دستور بقیه قانون ممیزی.

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی

سید محمد تدین

منشی م. شهاب

منشی دکتر احتشام طباطبائی

جلسه ۱۴۰۴ صورت مشروح

مجلس ۳ شنبه هفتم مهر

ماه هزار و سیصد و چهار

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای حسینخان پیرنیا تشکیل گردید.

(صورت مجلس یکشنبه پنجم

مهرماه را آقای آقا میرزا شهاب

قرائت نمودند)

رئیس - آقای شوشتری

(اجازه)

شوشتری - بنده قبل از دستور عرض دارم.

رئیس - آقای شیروانی

(اجازه)

شیروانی - قبل از دستور عرض دارم.

رئیس - آقای حاج حسن آقا

(اجازه)

حاج حسن آقا - بنده هم قبل از دستور عرض دارم.

رئیس - آقای دست غیب

(اجازه)

دست غیب - آقای فرمند را غائب بی اجازه نوشته اند در صورتیکه ایشان بی اجازه نیستند کمیسیون مرخصی ایشان را تصویب کرده است ولی چون کمیسیون مغیر نداشته است خبر آنرا بمجلس نیاورده اند باید با اجازه ثبت شود.

رئیس - صورت مجلس اشکالی ندارد؟

حائری زاده - بنده عرضی دارم.

رئیس - بفرمائید.

حائری زاده - یک مسئله ایست که در اداره مباشرت هم محل ابتلاء شده است و در صورت مجلس امروز هم نوشته نشده